

# دین و زندگی

جلسه یازدهم

« درس دوازدهم »

« ویژگی‌های حکومت اسلامی »

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِهِمْ  
بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ...

۱- این آیه اشاره به «رابطه ی رهبر با مردم» دارد.

۲- رهبر با روش های درست و منطقی به روشنگری مردم می پردازد.

۳- روش های تبلیغی

(۱) حکمت (۲) اندرز نیکو (۳) مجادله و بحث نیکوتر

۴- این آیه در درس ۹ سال چهارم نیز آمده است.

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

رهبر باید در تصمیم گیری ها قاطع و استوار باشد.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ

لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ

فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُتَوَكِّلِينَ

۱- رهبر باید نسبت به مردم جامعه خود دلسوز و مهربان باشد  
«لِنتَ» و از کوتاهی های مردم بگذرد «فَاعْفُ عَنْهُمْ» و برای  
آنان از خداوند آمرزش بخواهد «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ».

۲- رهبر باید با مردم جامعه ی خود مشورت کند «شَاوِرْهُمْ»  
و تصمیم های خود را پس از مشورت انجام دهد  
«فَإِذَا عَزَمْتَ» و با توکل بر خداوند برنامه ها را پیش ببرد.  
«فَتَوَكَّلْ»

۳- این آیه در درس ۱۰ سال دوم نیز آمده است.

وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي

۱- این آیه اشاره به وظیفه‌ی مردم نسبت به رهبر و

حکومت اسلامی دارد.

۲- مردم وظیفه دارند که از رهبر جامعه تبعیت کنند.

## ۱- رابطه ی رهبر با مردم

ولایت و رهبری در جامعه ی اسلامی، به جانشینی و نیابت از رسول خدا (ص) و امامان (ع) انجام می شود و رهبر با پیروی از آن بزرگواران، قوانین اسلامی را در جامعه به اجرا درمی آورد و پیاده می کند.

از این رو، ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه ی اسلامی، از راهنمایی قرآن کریم بهره می برد و رسول خدا و اهل بیت ایشان (ع) را اسوه و سرمشق قرار می دهد و می کوشد که به شیوه ی آنان عمل نماید.



پس لازم است برای شناخت رفتار و رابطه‌ی رهبر با مردم ابتدا به سراغ قرآن کریم برویم و از آیات ابتدای درس برخی از این رفتارها را استخراج کنیم:

۱- رهبر نسبت به مردم جامعه‌ی خود دلسوز و مهربان است. از کوتاهی‌های مردم می‌گذرد و برای آنان از خداوند آمرزش می‌خواهد.

۲- با مردم جامعه‌ی خود مشورت می‌کند و تصمیم‌گیری‌های خود را پس از مشورت انجام می‌دهد. با توجه به توسعه‌ی جوامع، لازمه‌ی مشورت، وجود گروه‌ها و نهادهای مشورتی است که امروزه در جمهوری اسلامی ایران به شکل‌های گوناگونی مانند..... وجود دارد.

۳- ولی فقیه در تصمیم گیری قاطع و استوار است و با توکل بر خداوند برنامه ها را به پیش می برد و مانع خلل و سستی در نظام اسلامی می شود.

۴- با روش های درست و منطقی به روشنگری مردم می پردازد و تلاش می کند که آنان به روشن بینی و بصیرت لازم برسند و راه حق را از باطل تشخیص دهند و در دام دشمنان خدا و مردم نیفتند.

۵- رهبر جامعه ی اسلامی نسبت به سرنوشت جامعه و اصول اسلامی استوار و قاطع است و اجازه نمی دهد قوانین اسلامی مورد بی توجهی قرار گیرد.

۶- رهبر جامعه ی اسلامی نگاه برابر و مطابق قانون به آحاد جامعه دارد و با مردم مناطق مختلف کشور و اقوام گوناگون به مساوات رفتار می کند.

۷- تربیت و هدایت مردم به دین خدا و سعادت حقیقی را مهم ترین حق مردم می داند و تلاش می کند که این مسئولیت را به خوبی انجام دهد.

۸- رهبر، در برابر مردم و به خصوص مستمندان و مستضعفان، متواضع و فروتن و در برابر ستمکاران و مستکبران، با عزت، نفوذناپذیر و مقتدر عمل می کند.

وقتی که امیرالمؤمنین علی (ع) مالک اشتر را به فرمانداری مصر منصوب کرد، نامه ای به وی نوشت و در آن نامه سیمایی از یک حاکم اسلامی را ترسیم کرد و مسئولیت های او را بیان مشهور است.

**۱- دل خویش را نسبت به مردم تحت حکومت مهربان قرار بده و با همه دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته اند، دسته ای برادر دینی تو و دسته ای دیگر در آفرینش همانند تواند.**

۲- اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می دهد، تندروی تو را فرو می نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی باز می گرداند.

۳- دوست داشتنی ترین چیزها نزد تو، آن چیزی باشد که در حق میانه ترین، در عدل شامل ترین و در جلب خشنودی مردم فراگیر ترین است؛ زیرا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص و نزدیکان را از بین می برد و رضایت عمومی؛ خشم خواص را بی اثر می کند.

۴- کسانی را که اهل عیب جویی از دیگران اند، از خود دور کن؛ زیرا مردم عیب هایی دارند که مدیر و رهبر جامعه باید بیش تر از همه در پنهان کردن آن ها بکوشد.

۵- در قبول و تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن چین در لباس نصیحت ظاهر می شود، اما خیانتکار است.

۶- با ترسو مشورت نکن که در انجام دادن کارها روحیه ی تو را سست می کند.

۷- هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا در این صورت، نیکوکاران به کار خیر بی رغبت و بدکاران به کار بد تشویق می شوند.

۸- خدا را خدا را! در خصوص طبقات محروم ... برای خدا پاسدار حقی باش که خدا برای آنان معین فرموده است ... مبادا دل مشغولی های حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت های دیگر نخواهد بود ... برای این گروه، عده ای از افراد مورد اطمینان و خدا ترس و متواضع را انتخاب کن تا درباره ی وضع آن ها تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس، برای رفع مشکلات آن ها به گونه ای عمل کن که در پیشگاه خدا معذور باشی؛ زیرا این گروه بیش تر از دیگران به عدالت نیازمندند.

## ۲- وظیفه ی مردم نسبت به رهبر و حکومت اسلامی

همان طور که رهبر جامعه نسبت به مردم مسئولیت هایی دارد، مردم نیز در برابر رهبری وظایفی دارند که باید به انجام آن ها قیام کنند. برای شناخت آن ها، بار دیگر به سراغ آیات قرآن کریم می رویم تا برخی از این وظایف را به دست آوریم:

۱- مردم مسئولیت دارند از رهبر جامعه تبعیت کنند و پایبند قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشند.



۲- برای اجرای قوانین اسلام، پیشرفت جامعه و ناکام گذاشتن دشمنان خدا و مردم، از خود استقامت و پایداری نشان دهند. زیرا با تشکیل حکومت اسلامی، منافع ظالمان و مستکبران به خطر می افتد و آنان با تمام امکانات و ابزارهایی که دارند، می کوشند که مردم را دچار سختی و مشکلات کنند تا بالاخره دست از حق طلبی خود بردارند.

۳- وحدت و همبستگی اجتماعی خود را بر محور رهبری جامعه حفظ کنند تا قدرت های ستمگر نتوانند در کشور اسلامی نفوذ کنند و عزت و استقلال جامعه را به خطر اندازند.

۴- خود را برای مقابله ی با ظالمان و مستکبران آماده کنند  
به طوری که آنان فکر تهاجم به سرزمین اسلامی را در سر  
نیروورانند.

همچنین برخی دیگر از وظایف مردم را که از سخنان  
پیشوایان دین به دست آمده، ذکر می کنیم:

۵- آگاهی های سیاسی و اجتماعی خود را افزایش دهند تا  
بتوانند در شرایط پیچیده ای که قدرت های ظالم در دنیا  
ایجاد می کنند، تصمیمات صحیح بگیرند و درست عمل  
کنند.

- ۶- خیرخواه و نصیحت‌گر و یاری‌دهنده‌ی رهبر باشند.
  - ۷- وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را با روش‌های درست و تأثیرگذار انجام دهند و مانع گسترش بدی‌ها و زشتی‌ها و کم‌رنگ شدن خوبی‌ها و نیکی‌ها گردند.
  - ۸- در جهت آبادانی کشور بکوشند.
  - ۹- در حفظ اموال عمومی تلاش کنند.
  - ۱۰- منافع کلّ جامعه و نظام اسلامی را بر منافع فردی خود ترجیح دهند.
- به علت اهمیت مسئولیت‌های رهبر نسبت به جامعه و جامعه نسبت به رهبر، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

«... و بزرگ ترین حقی که خدا واجب کرده است، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حقوقی که خداوند بر هر یک از این دو نسبت به هم واجب کرده و آن را سبب دوستی و الفت آنان و ارجمندی دینشان قرار داده است، مردم جز به صلاح حاکمان، اصلاح نپذیرند و حاکمان جز به پایداری مردم، نیکو نگردند، پس هنگامی که مردم، وظیفه‌ی خود را نسبت به حاکم انجام دادند و حاکم نیز حق آنان را ادا کرد، حق در میان جامعه ارزشمند می شود.»

### ۳- نظام اسلامی و مردم سالاری

نظام جمهوری یا مردم سالار، حکومتی است که براساس نظر و رأی اکثریت مردم پدید آمده است. یعنی اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین کرده اند، نه فرد یا گروهی خاص. در این نوع حکومت، مردم همواره در تعیین سرنوشت خود دخالت دارند و از راه های تعیین شده در قانون آن را دنبال می کنند.

این ویژگی در نظام اسلامی کاملاً وجود دارد و لفظ «جمهوری» در کنار «اسلامی» بیانگر آن است.

مردم ایران با قیام و انقلاب خود، جمهوری اسلامی را برپا کردند و به قانون اساسی که شکل حکومت و خطوط کلی آن را تعیین می کند، رأی دادند و با شرکت دائم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای شهر و روستا، هم در امور کشور دخالت می کنند و هم پایبندی خود را به اصل نظام اسلامی و قانون اساسی نشان می دهند.

البته این تفاوت اساسی میان نظام های جمهوری دمکراتیک رایج در جهان و جمهوری اسلامی هست که اولاً حکومت اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل می شود و قانون گذاران نمی توانند برخلاف دستورات الهی قانون تنظیم کنند و به همین جهت این نظام، «مردم سالاری دینی» نامیده شده است. ثانیاً دمکراسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین خواسته های دنیوی مردم قرار داده است و نسبت به ارزش های الهی بی اعتناست. اما هدف اصلی از نظام اسلامی سعادت اخروی و برقراری عدالت اجتماعی است و آسایش و رفاه مردم را در این چهارچوب برقرار می کند.

## ولایت فقیه، زمینه ساز حکومت جهانی امام عصر (عج)

برقراری حکومت اسلامی در عصر غیبت، علاوه بر این که یک ضرورت اساسی در اجرای احکام اسلامی است، به مؤمنان و منتظران حضرت مهدی (عج) فرصت می دهد که آنچه را برای آمادگی ظهور لازم است، فراهم سازند.

مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان چراغ هدایتی است که در پرتو آن می توان راه را از بی راهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن بست می انجامد، راه درست را



برگزید و آن را به سلامت پیمود. همچنین، حکومت اسلامی قلعه و حصار محکمی است که منتظران در آن، به آماده‌سازی و تشکّل خود می‌پردازند. بنابراین:

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به معنای ارائه‌ی یک الگو از حاکمیت دینداران است که با الهام از تعالیم انبیاء، برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تلاش می‌کنند.

در این حکومت، زمینه‌ی عبودیت، معنویت خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به طور نسبی فراهم می‌آید دینداران و حق طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت های انسانی می‌شوند و جهانیان آماده‌ی ظهور موعود جهانی خواهند شد.

- ۱- امام علی (ع)، «ارزشمندی حق» را آن جا حتمی اعلام می‌فرماید که ..... (سراسری خارج از کشور ۹۱)
- (۱) وظایف متقابل حاکم و مردم نسبت به یک دیگر معمول گردد.
- (۲) صلاح حاکمان به اصلاح مردم و نیکویی حاکمان به پایداری مردم محقق شود.
- (۳) بزرگ‌ترین حقی که خدا واجب کرده است که حق رهبر بر مردم است، محترم شمرده شود.
- (۴) حق مردم بر رهبر که بزرگ‌ترین حق واجب از سوی خدا است، محترم شمرده شود.
- گزینه «۱» صحیح است

۲- به بیان امام علی (ع)، رهبر و مدیر جامعه باید در قبول و تصدیق سخن چین شتاب روا ندارد. زیرا: .....

(سراسری ریاضی ۹۱)

(۱) دستور خداوند بر عدم اطاعت از سخن چین مسخره گر، صراحت دارد.

(۲) سخن چینان آتش بیار معرکه ی فتنه انگیزی اند.

(۳) افرادی این چنین در لباس نصیحت ظاهر می شوند، اما خیانت کارند.

(۴) عمل سخن چین مقبول فطرت پاک انسانی نیست و عقل سلیم از قبول آن ابا دارد. گزینه «۳» صحیح است

۳- نظام اسلامی حکومتی است که ..... و ..... که آن نظام را مردم سالاری دینی می نامند. (سراسری تجربی ۹۱)

(۱) حاکم آن فقیه عادل باتقوا، باکفایت و با تدبیر باشد - بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.

(۲) حاکم آن فقیه عادل باتقوا، باکفایت و با تدبیر باشد - بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل می شود.

(۳) اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین کرده اند - بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.

(۴) اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین کرده اند - بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل می شود. گزینه «۴» صحیح است

۴- «چراغ هدایتی که در پرتو آن می توان راه را از بی راهه شناخت»، «قلعه و حصار متین و محکمی که به تشکل منتظران می انجامد.» به ترتیب، ..... و ..... است. (سراسری هنر ۹۱)

(۱) ولایت و حکومت اسلامی - مرجعیت و ولایت فقیه

(۲) مرجعیت و ولایت فقیه - حکومت اسلامی

(۳) انتظار و آماده سازی منتظران - حکومت اسلامی

(۴) مرجعیت و ولایت فقیه - انتظار و آماده سازی منتظران  
گزینه «۲» صحیح است

۵- به بیان امام علی (ع)، بر مدیر و رهبر جامعه فرض است که نیکوکار و بدکار در نظرش یکسان نباشند. زیرا:

(سراسری زبان ۹۱)

(۱) عمل رهبر جامعه، سرمشق و الگویی برای دیگران قرار می‌گیرد.

(۲) معیارهای نیکی و بدی برای اقشار جامعه ناشناخته می‌ماند.

(۳) نیکوکاران به کار خیر، بی‌رغبت و بدکاران به کار بد تشویق می‌شوند.

(۴) سالکان طریق نیکی و نیکوکاری در راه پرفراز و نشیب، احساس تنهایی می‌کنند. گزینه «۳» صحیح است

۶- بزرگترین حقی که خدا واجب کرده است، حقوق متقابل ..... است که آن را سبب ..... قرار داده است.

(سراسری خارج از کشور ۹۰)

۱) مردم و رهبر - دوستی و الفت آنان و ارجمندی دینشان  
۲) والدین و فرزندان - دوستی و الفت آنان و ارجمندی دینشان

۳) والدین و فرزندان - مهربانی و خشنودی آنان و نیکوکاری بینشان

۴) مردم و رهبر - مهربانی و خشنودی آنان و نیکوکاری بینشان  
گزینه «۱» صحیح است



۷- حضرت علی (ع) در «عهدنامه ی مالک اشتر» رابطه ی رهبر با مردم را این گونه ترسیم می کند که می فرماید: «دوست داشتنی ترین چیزها نزد تو، آن چیزی باشد که در ..... است، زیرا خشم عمومی مردم، ..... را از بین می برد.» (سراسری ریاضی ۹۰)

- ۱) حق میانه ترین، در عدل شامل ترین و در جلب خشنودی خدا فراگیرترین - پایه های حکومت و قدرت
- ۲) حق فراگیرترین، در عدل میانه ترین و در جلب خشنودی مردم شامل ترین - پایه های حکومت و قدرت

۳) حق میانه ترین، در عدل شامل ترین و در جلب

خشنودی مردم فراگیرترین - خشنودی خواص و نزدیکان

۴) حق فراگیرترین، در عدل میانه ترین و در جلب

خشنودی خدا شامل ترین - خشنودی خواص و نزدیکان

گزینه «۳» صحیح است

۸- امام علی (ع) در فرمان نامه‌ی خود به مالک اشتر دستور می‌دهد که با «ترسو» مشورت مکن، زیرا ..... و آن بزرگوار، اصلاح مردم را با ..... اعلام می‌فرماید.

(سراسری هنر ۹۰)

۱) در لباس خیرخواهی ظاهر می‌شود اما خائن است - صلاح حاکمان

۲) در لباس خیرخواهی ظاهر می‌شود اما خائن است - پایداری مردم

۳) در انجام دادن کارها روحیه‌ی تو را سست می‌کند - صلاح حاکمان

۴) در انجام دادن کارها روحیه‌ی تو را سست می‌کند - پایداری مردم  
گزینه «۳» صحیح است

۹- با توجه به فرمان نامه ی امام علی (ع) به مالک اشتر که ترسیم کننده ی خطوط رابطه ی رهبر با مردم است، دستور می دهد که تکبر و خودبزرگ بینی را با توجه به ..... درمان کن و کاری دنبال کن که در جلب خشنودی مردم فراگیرترین باشد زیرا ..... (سراسری زبان ۹۰)

(۱) عظمت حکومت خداوند - رضایت خداوند، مقدم بر رضایت خواص است.

(۲) عظمت حکومت خداوند - خشم عمومی مردم به نابودی رضایت خواص می انجامد.

۳) ضعف وجود خودت - رضایت خداوند، مقدم بر رضایت  
خواص است.

۴) ضعف وجود خودت - خشم عمومی مردم به نابودی  
رضایت خواص می انجامد.

گزینه «۲» صحیح است

« درس سیزدهم »

« عزت نفس »

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

۱- خداوند انسان را (بنی آدم) بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است.

۲- کرامت نفس از طریق خویشتن شناسی بدست می آید.

۳- این آیه با حدیث «ای فرزندانم آدم این موجودات و مخلوقات را برای تو آفریدم و تو برای خودم» ارتباط مفهومی دارد.

۴- این آیه در درس ۳ سال دوم آمده است.

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ  
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۱- کسانی که کار نیک انجام می دهند پاداش فزون تری دارند و چهره شان گرد تیرگی و خواری نمی پوشاند و عزیز می شوند.

۲- بهشت جاویدان نتیجه اعمال نیکو است.

۳- سنت تفاوت در پاداش و کیفر (درس ۶ سال چهارم).



وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءَ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ...

۱- کسانی که مرتکب گناه شوند به همان اندازه مجازات می شوند.

۲- هر کس به گناه و زشتی روی آورد، خداوند ذلت چهره او را می پوشاند یعنی ذلت در برابر گناه.

۳- سنت تفاوت در پاداش و کیفر (درس ۶ سال چهارم).

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

۱- ابتدا عزت را به سرچشمه آن یعنی خدا و سپس به

پیامبر و سپس به مومنین نسبت داده است.

۲- اطاعت از خدا لازمه رسیدن به عزت است.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا

۱- سرچشمه عزت خداوند است.

۲- تمام عزت از آن خداست. ( جَمِيعًا )

عزت به معنی شکست ناپذیری است. انسان عزیز کسی است که در مقابل دیگران تسلیم نمی شود و شکست نمی خورد. بنابراین، وقتی می گوییم فلان شخص دارای عزت نفس است، منظورمان این است که او نفسی شکست ناپذیر دارد و تسلیم نمی شود. در مقابل عزت، «ذلت» قرار دارد که به معنی شکست پذیری و تسلیم شدن است. شخص ذلیل کسی است که خود را تسلیم دیگری می کند.

خداوند به انسان کرامت و بزرگی بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده و خطاب به وی فرموده:

« ای فرزند آدم، این موجودات و مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم »

یعنی خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود و به دیدار او برسد و در بهشتی که خدا برایش آماده کرده،

میهمان ابدی او گردد و آنچه از زیبایی و خوبی و لذت که  
می شناسد و تمنا می کند یا نمی شناسد و خدا می داند، از  
دست با کرامت الهی بگیرد.

اکنون این سؤال مطرح است که انسان باید در برابر چه  
چیزی و چه کسی عزیز و شکست ناپذیر باشد؟ در پاسخ  
می گوییم که عزت و شکست ناپذیری در دو مورد ضروری  
است:

۱- در برابر خواسته های نامشروع درونی که سبب روی آوردن ما به گناه می شوند.

۲- در برابر دشمنان ظالم و ستمگر بیرونی که می خواهند درمقابل ظلم آنان تسلیم باشیم و ذلت را بپذیریم.

قرآن کریم به ما می آموزد که هرکس در برابر تمایلات نامشروع بایستد و به نیکی ها روی آورد و از گناه دوری کند، گرد ذلت بر چهره ی او نمی نشیند، یعنی عزیز می شود، عزیز در برابر گناه. و هرکس از این قبیل تمایلات دنباله روی کند به گناه و زشتی روی آورد، خواری و ذلت چهره ی او را می پوشاند، ذلت در برابر گناه.

انسانی که نفس خود را عزیز و شکست ناپذیر کرده، توانایی کنترل هوس ها و تمایلات نابجای خود را دارد و در مقابل تحریک و تشویق دیگران به گناه، ایستادگی می کند و به آن ها پاسخ « نه » بدهد.

برخی از افراد در توجیه خطا و گناه خود عوامل تحریک کننده ی بیرونی را مقصر جلوه می دهند و خطای خود را بر دوش آن عوامل می گذارند. اما این گونه افراد باید توجه کنند که عوامل بیرونی فقط زمینه ساز هستند، نه بیشتر.



آن کس که تصمیم می گیرد و مرتکب گناه می شود و کرامت خدادادی خود را لگه دار می کند، خود انسان است. چه بسیار انسان هایی که همان زمینه ها را می بینند اما با قدرت روحی و اراده ی قوی در مقابل گناه می ایستند و آن را شکست می دهند.

## عزت نفس و بندگی خداوند

چگونه می توانیم ایستادگی و عزّت در برابر هوس و گناه را  
در خود تقویت کنیم؟

قرآن کریم راه آن را به ما نشان داده است؛ با روی آوردن  
به خدا.

خداوند که خالق تمام جهانیان است، حقیقت شکست  
ناپذیری است که همه ی مخلوقات تسلیم اویند.

سرچشمه ی تمام عزّت ها خداست و هرکس که دنبال عزّت است، باید خود را به این سرچشمه پیوند دهد.

به همین جهت است که قرآن کریم ابتدا عزّت را برای خدا دانسته، سپس برای رسول خدا (ص) که بنده ی خالص اوست و پس از آن برای مؤمنین که با پیروی از رسول خدا(ص) بندگی خدا را پذیرفته اند و تسلیم او شده اند.

امیرالمؤمنین علی (ع) در وصف انسان هایی که عزّت خود

را در بندگی خدا یافته و بر گناه و هوس پیروز شده اند،  
می فرماید:

عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ      خدا در نفس آنان بزرگ است  
فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ      پس غیر خدا در چشم آنان کوچک  
همچنین برای تسلیم نشدن در برابر ظالمان و حفظ عزت  
نفس خود در مقابل آنان می فرماید:

لا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ      بنده ی دیگری (مثل خودت) نباش  
و قد جَعَلَ اللهُ حُرًّا      چرا که خدا تو را آزاده آفریده است  
پیشوایان ما چون بنده ی حقیقی خدا بودند، در  
سخت ترین شرایط زندگی، عزت مندانه زیستند و هرگز  
تن به خواری ندادند.

پیامبر اکرم، هنگامی که در محاصره ی طاقت فرسای  
مشرکان مکه بود و جز ابوطالب (ع) و یاران اندک،

پشتوانه ی ظاهری دیگری نداشت، به بزرگان مکه که وعده ی ثروت و قدرت به او می دادند، فرمود:

اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارید، از راه حق دست بر نمی دارم.

امام حسین(ع)، آن گاه که یزیدیان از او می خواستند تسلیم شود تا جانش محفوظ بماند، می فرمود:

« مرگ با عزّت از زندگی با ذلّت برتر است »

و می فرمود: « به خدا سوگند من دست ذلت به شما  
نمی دهم و همچون بردگان فرار نمی کنم»  
حضرت زینب(س)، پس از تحمل انبوه مصائب و سختی ها،  
که هر کدام از آن ها روح یک انسان معمولی را می شکند،  
در پاسخ به جمله ی عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه، که  
می خواست سیدالشهداء و ایشان را تحقیر کند، فرمود:

« در این واقعه ای که برای ما پیش آمد، جز زیبایی از خدا ندیدم. »

کسی که بنده ی حقیقی خدا شد، عزیز می شود و تن به ذلت و خواری در برابر گناه و گناهکاران نمی دهد و تسلیم آنان نمی شود. او خود را همواره در پیشگاه خدا می بیند و می داند که اگرچه او خدا را نمی بیند اما خدا او را می نگرد.



گرچه حضرت یوسف(ع) به زندان افتاد، اما عزت حقیقی را به دست آورد و بعدها به عزت ظاهری هم رسید و عزیز سرزمین مصر شد.

## خودِ عالی و خودِ دانی

ممکن است پیرسید ریشه ی عزت و ذلت در وجود انسان چیست؟

این یک سؤال مناسب و راه گشاست. زیرا شناخت ریشه ها

سبب می شود که انسان بهتر بتواند به سوی عزت حرکت کند و از ذلت دوری نماید. لذا در ریشه یابی این موضوع می گوییم: انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

۱- **تمایلات عالی** که مربوط به بُعد روحی و معنوی اوست؛ مانند تمایل به دانایی، احسان، شجاعت، ایثار، حُسن خلق، عدالت، عفاف، حیا و گذشت.

۲- **تمایلات دانی** که مربوط به بُعد حیوانی و دنیایی اوست؛

مانند تمایل به ثروت، شهوت، غذاهای لذیذ و متنوع، زیور و زینت و رفاه.

تمایلات عالی مربوط به **خودِ عالی** انسان که همان بعد روحی و معنوی اوست، می باشد و تمایلات دانی مربوط است به **خودِ دانی** که همان بُعد حیوانی و دنیایی می باشد. انسان باید به گونه ای زندگی خود را تنظیم کند که توجه به تمایلات دانی مانع رشد و شکوفایی تمایلات عالی نگردد. در حقیقت تمایلات دانی، تمایلات بدی

نیستند، بلکه برای زندگی در دنیا لازم هستند، اما نباید از حدّ تجاوز کنند و مانع رشد تمایلات عالی شوند.

عقل و وجدان، انسان را به تمایلات عالی فرامی خواند، چون به دنبال خوشبختی همیشگی اوست. اما هوی و هوس (نفس اماره) از انسان می خواهد که فقط به غرایز و تمایلات دانی مشغول باشد و توجهی به تمایلات عالی نداشته باشد.

انسان عزیز همواره به ندای عقل و وجدان و نفس لوّامه گوش فرامی دهد و تسلیم نفس اماره نمی شود. اما انسان ذلیل، در درون شکست می خورد و تسلیم نفس اماره می شود. بنابراین، انسان گناهکار پیش از آن که در مقابل عوامل بیرونی تسلیم شود، ابتدا در خود می شکند و حقارت را پذیرا می شود. کسی که در مقابل دیگران تن به ذلّت می دهد، ابتدا در مقابل تمایلاتِ پستِ درون خود شکست خورده و ذلیل شده است. او عزّت خود را از دست داده و به دنائت و پستی دچار شده است.

تحقیقات نیز نشان می دهد اکثر گناهکاران و مجرمان  
افرادی هستند که عزّت نفس خود را از دست داده و تحقیر  
شده اند. بنابراین یکی از راه های مبارزه با کژی ها و  
زشتی ها در جامعه افزایش عزّت نفس انسان ها و حفظ  
کرامت آن هاست.

۱- با توجه علل عرضی و علل طولی، تسلیم شدن در برابر عوامل بیرونی، حاکی از حاکمیت علل ... در انسان است، به این معنی که شکست بیرونی... شکست درونی محقق می شود و خود عالی که همان نفس ... است، مغلوب خود دانی می گردد.

(۱) طولی - در کنار - مطمئنّه (سراسری خارج از کشور - ۸۹)

(۲) عرضی - به دنبال - مطمئنّه

(۳) عرضی - در کنار - لوّامه

(۴) طولی - به دنبال - لوّامه

گزینه «۴» صحیح است

۲- در مقابل دیگران ، تن به ذلت دادن ... شکست ... در برابر تمایلات ... خویش است و از دقت در حدیث « تو را برای خودم آفریدم » مفهوم می گردد که ... ( سراسری هنر - ۸۹ )

(۱) تابع - نخستین - دانی - خدا، بهای انسان است.

(۲) متبوع - نخستین - دانی - خدا، بهای انسان است.

(۳) تابع - ثانوی - عالی - خدا، همه چیز را برای انسان آفریده است.

(۴) متبوع - ثانوی - عالی - خدا، همه چیز را برای انسان آفریده است.

گزینه «۱» صحیح است



۳- کرامت و بزرگواری انسان، در پروا از خداوند و شرم از اوست که ... زیرا بهای او ... است.

(سراسری خارج از کشور - ۸۷)

(۱) تمایلات دانی را بر تمایلات عالی غلبه دهد - خدا

(۲) تمایلات دانی را بر تمایلات عالی غلبه دهد - بهشت

(۳) پیمان شکنی نماید و در حضور خداوند گناه کند - خدا

(۴) پیمان شکنی نماید و در حضور خداوند گناه کند -

گزینه «۳» صحیح است

بهشت